



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال هفتم / شماره بیست و ششم / زمستان ۱۴۰۴

doi:10.22034/icrs.2025.535718.1363

جایگاه امام علی (ع) در متون نقشبندی:

مطالعه موردی فصل الخطاب و شواهد النبوه

مجتبی سلطانی احمدی^۱ زهرا سیافی^۲ یزدان فرخی^۳

چکیده

در برخی پژوهش‌های اخیر، نقشبندیه به شکل یک طریقت سنی سلفی و به عنوان عکس‌العملی در برابر رشد سلسله‌های صوفی متشیع مانند نعمت‌اللهیه و کبرویه، معرفی شده است. در این طریقت بر ابوبکر به عنوان سر سلسله نقشبندیه تأکید ویژه‌ای می‌شود و دست‌کم یکی از طرق این سلسله به خلیفه نخست ختم می‌شود. معنای ضمنی این جابه‌جایی می‌تواند چنین باشد که جایگاه خلیفه نخست فراتر از جایگاه امام علی (ع) به عنوان خلیفه چهارم پیامبر (ص) خواهد بود. اما بررسی متون نقشبندیه خلاف این مطلب را نشان می‌دهد. برای بررسی این موضوع سؤال پژوهش حاضر این است که منزلت امام علی (ع) - در مقایسه با سه خلیفه نخست - نزد نقشبندیه متقدم چگونه بوده است؟ پاسخ بدین سؤال ما را با گرایش‌های مذهبی طریقت نقشبندیه مخصوصاً در دوره نخستین آن بهتر آشنا می‌کند. برای پاسخ بدین سؤال جایگاه امام علی (ع) در دو کتاب کهن نقشبندی‌ها یعنی فصل الخطاب و شواهد النبوه مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که نقشبندی‌ها علی‌رغم توجه بسیار به خلیفه نخست، هیچ‌گاه در صدد فروکاستن از جایگاه امام علی (ع) بر نیامده و همچون سلسله‌های دیگر به اقتضای شرایط زمانه بر حبّ اهل بیت (ع) به ویژه امام علی (ع) پا می‌فشردند. بنابراین در عین پذیرش اصل این موضوع که یکی از عوامل پیدایی نقشبندیه عکس‌العمل در برابر رونق فرقه‌های صوفی متشیع بوده است، در مورد کم‌توجهی این سلسله نسبت به امام علی (ع) نمی‌توان آن را نزدیک به واقعیت تاریخی دانست. این پژوهش به روش تاریخی و رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است.

واژه‌های کلیدی: نقشبندیه، تیموریان، خلفای راشدین، امام علی (ع)، متون صوفیه.

msoltani94@pnu.ac.ir

۱. دانشیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

zahrasayafi@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

y_farrokhi@pnu.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ نوع مقاله: پژوهشی (۱۳۲-۱۰۱)

The Position of Imam Ali (AS) in the Eyes of the Naqshbandis: A Case Study of the Fasl Al-Khattab and the Shavahid Al-Nubuvvah Mojtaba Soltani Ahmadi/¹ Zahra Sayyafi/² Yazdan Farrokhi/³

Abstract

In some recent studies, the Naqshbandiyya has been presented as a Sunni Salafi order and as a practical reaction to the growth of Shiite Sufi dynasties such as Nematullahiyya and Kubrawiyya. In this order, special emphasis was placed on Abu Bakr as the head of the Naqshbandiyya lineage, and at least one of the lineages ended with the first caliph. Such a view leads to the conclusion that the position of the first caliph would be higher than that of Imam Ali (a.s.) as the fourth caliph of the Prophet (pbuh). However, an examination of the Naqshbandiyya texts shows the opposite. Therefore, it is necessary to see what was the status of Imam Ali (a.s.) among the early Naqshbandiyya, compared to the first three caliphs? The answer to this question will better acquaint us with the religious tendencies of the Naqshbandiyya order, especially in its early period. To answer this question, the position of Imam Ali (a.s.) in two ancient Naqshbandi books, namely Fasl al-Khattab and Shahid al-Nubawh, was examined. The findings of this research indicate that despite paying great attention to the first caliph, the Naqshbandis never sought to diminish the position of Imam Ali (AS) and, like other dynasties, they insisted on the love of the Ahl al-Bayt (AS), especially Imam Ali (AS), in accordance with the requirements of the times. Therefore, while accepting the principle that one of the factors for the emergence of the Naqshbandiyyah was the reaction against the prosperity of Shiite Sufi sects, the lack of attention paid by this dynasty to Imam Ali (AS) cannot be considered close to historical reality. This research has been conducted using a historical method and a descriptive-analytical approach.

Keywords: Naqshbandiyya, Timurids, Rashidin Caliphs, Imam Ali (AS), Sufi texts.

1. Associate professor at the Department of Islamic of History and Civilization, Payame Noor University, Tehran, Iran. (corresponding author)

2. PhD student in Islamic History, Payame Noor University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor at the Department of The History, Payame Noor University, Tehran, Iran.

مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

طریقت نقشبندیه یکی از طریقت‌های صوفی ایرانی است که توسط خواجه بهاء الدین نقشبند (د. ۷۹۱ ق) پدید آمد و خود ادامه دهنده خواجه عبدالخالق غجدوانی (د. ۵۷۵ ق) بود. از همین رو این فرقه به «طریقه خواجگان» معروف شد؛ هرچند زرین کوب معتقد است علت مشهور شدن نقشبندیه به خواجگان به سبب انتساب به خواجه بهاء الدین نقشبند بوده است. (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۲۰۶) پس از بهاء الدین نقشبند طریقه او که بعدها بیشتر «نقشبندیه» خوانده می‌شد به وسیله خلفای وی مخصوصاً خواجه علاء الدین عطار (د. ۸۰۲ ق) و خواجه محمد پارسا (د. ۸۲۲ ق) در ماوراءالنهر رواج و اهمیت یافت. خواجه پارسا گاه مورد انکار اهل حدیث واقع می‌شد، ولی نفوذ معنوی او سبب حفظ حیثیت و حرمتش بود. مولانا یعقوب چرخ‌چی (د. ۸۵۱ ق) و خواجه سعدالدین کاشغری (د. ۸۶۰ ق) از دیگر مشایخ نام‌آور این سلسله در میانه سده نهم هجری بودند. (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۲۰۸-۲۰۹) در پایان این سده هم نام دو تن دیگر از مشایخ نقشبندیه برجسته‌تر از دیگران است؛ نورالدین عبدالرحمان جامی (د. ۸۹۸ ق)، خاتم شعرای فارسی و خواجه عیبدالله احرار (د. ۸۹۲ ق) که البته جامی از باب تواضع نام احرار را بعد از سعدالدین کاشغری به عنوان «واسطه انتظام سلسله شریفه ایشان» آورده است (جامی، بی‌تا: ۴۰۶). میانه‌روی و التزام آنان به شریعت سبب شد که بسیاری از عالمان رسمی به این طریقه درآیند و فاصله‌ای میان طریقت و شریعت نبینند؛ حتی محدثانی همچون ابن حجر هیتمی (د. ۹۷۴ ق) که علاقه‌ای به تصوف نداشتند، در حق آنان گفته است: «تنها طریقه بلندمقامی که از کدورات نادانان صوفی در امان مانده است، طریقه نقشبندیه است». (ابن حجر، بی‌تا: ۲۴۰)^۱

پژوهشگران گرچه از محبت و احترام این طریقه به اهل بیت (ص) سخن گفته‌اند (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۲۲۵؛ طاهری عراقی، ۱۳۵۴: ۲۶؛ توسون، ۱۴۰۲: ۳۸۵)، اما شیعی، محقق عراقی و نجدت توسون، محقق ترک تأسیس این سلسله را عکس‌العملی در برابر پیدایش و رشد طرق صوفی شیعی پس از حمله

۱. این طریقه که نخست در خراسان و ماوراءالنهر نضج و گسترش یافت از اواخر سده نهم با خلفایی که خواجه عیبدالله احرار به اطراف فرستاد، رشد و نفوذ یافت؛ به گونه‌ای که اکنون در ترکیه، هند و مخصوصاً آسیای میانه حضور و بروز دارد (Algar, 1993, 7). (936, 938)

مغول مانند کبرویّه و نعمت الهیّه دانسته‌اند. (شیبی، ۱۳۸۵: ۲۳۷؛ توسون، ۱۴۰۲: ۴۳)^۱ گرچه سران این فرق از اهل سنت بودند (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۶۵، ۸۸، ۱۹۹)، اما مریدان آنها اندکی پس از مرگ رهبران ایشان (مانند شاه نعمت الله ولی و سید علی همدانی) به مذهب تشیع گرویدند. (گراهام، ۱۳۸۴: ۱/ ۴۷۷) نجات توسون هم دقیقاً همین عقیده را درباره سلف آنها یعنی طریقه خواجگان دارد. به باور او در قرن ششم و پس از آن که مشاجرات شیعه و سنی با جدیت ادامه داشت، برخی طریقت‌ها سلسله خود را به حضرت علی (ع) می‌رساندند و این امر سنی‌های ماوراءالنهر را به سوی تأسیس طریقتی با سلسله‌ای غیر علوی سوق می‌داد.^۲ از این رو در مقامات یوسف همدانی منسوب به غجدوانی از سلسله طریقتی بحث شد که به ابوبکر می‌رسید.^۳ به باور توسون این طریقت احتمالاً برای آن که واکنش طریقت‌های دیگر را برنیا نگیرد سلسله دیگری را نیز که به حضرت علی (ع) ختم می‌شد، مطرح کرد. (توسون، ۱۴۰۲: ۲۵، ۴۳) الگار هم تأکید دارد که نقشبندی‌ها از همه طریقت‌های دیگری که سلسله خود را به علی بن ابی طالب (ع) می‌رسانند، مجزا است. هرچند که شاخه دیگری از نقشبندیه به واسطه امام صادق (ع) و برخی واسطه‌های امامی دیگر تا علی (ع) امتداد می‌دهند، اما برخورداری از ریشه «بکری» برای آنها چیز دیگری است. (الگار، ۱۳۹۸: ۳) اما برخلاف تصور پژوهشگرانی مانند توسون و الگار چنین جایگاهی برای ابوبکر پیش از نقشبندیه هم وجود داشت و از همان ابتدا سلاسل دو گانه‌ای که به حضرت علی (ع) ختم می‌شد در بین اخلاف نقشبندیه مطرح بود. (به عنوان نمونه ر.ک. نقل قول‌های پارسا از ابوطالب مکی: پارسا، ۱۳۵۴: ۱۳-۱۴)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. البته به طور دقیق، توسون این سخن را درباره طریقه خواجگان، سلف نقشبندی‌ها می‌گوید: «در قرن ششم هجری و پس از آن برخی طریقت‌ها در مناطق شیعه‌نشین شروع به بسط و گسترش کردند. این طریقت‌ها گرایش علوی داشتند و سلسله خود را تا علی (ع) می‌رساندند. ظهور طریقت‌هایی مانند قلندریه، حیدریه و وفانیه، سنی‌های ماوراءالنهر را بر آن داشت تا طریقت و سلسله‌ای غیر شیعی بنا کنند». (توسون، ۱۴۰۲: ۴۳)

۲. در مورد پیدایی طریقت نقشبندیه تنها یک عامل یعنی مقابله با جریان‌های صوفی متشیع را نمی‌توان مؤثر دانست. جریان نقشبندیه در برابر بسیاری دیگر از مولفه‌های مورد پذیرش فرق صوفی ایستاد؛ از جمله تأکید بر فرهنگ کار و کسب در برابر تن پروری صوفیان، اصرار بر رعایت احکام شریعت در برابر شریعت‌گریزی صوفیان و نزدیکی به مراکز قدرت در مقابل دوری صوفیه از اهل سیاست و ارباب قدرت. (پوررش، ۱۴۰۱: ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۶)

۳. به سبب آشفتگی‌ها و خطاهای فاحش تاریخی راه یافته در آن در صحت و اصالت این کتاب تردید وجود دارد. (منفرد، ۱۳۹۳: ۱۶)

۱-۲- سؤال و فرضیه

با توجه به چنین جایگاهی برای ابوبکر این سؤال قابل طرح است که منزلت امام علی (ع) در مقایسه با سه خلیفه نخست نزد طریقت نقشبندیه (در دوره تیموریان) چگونه بوده است؟ در پاسخ بدین سؤال می‌توان گفت با توجه به رواج محبت اهل بیت پس از حمله مغول و گسترش تسنن دوازده امامی در ایران و عراق بسیار بعید به نظر می‌رسد که جایگاه امام علی (ع) در نزد این فرقه همانند دیگر طرق صوفیه پایین‌تر باشد. برای بررسی صحت و سقم این فرضیه ضروری است متون کهن نقشبندیه در این باره مورد بررسی قرار گیرد. برای سهولت کار مجموعه داده‌های نقشبندیه درباره امام علی (ع) در دو کتاب مهم فصل الخطاب خواجه محمد پارسا (د. ۸۲۲ ق) و شواهد النبوه جامی (د. ۸۹۸ ق) مورد بررسی قرار گرفته است. دلیل برگزیدن این دو کتاب از جهت اهمیت آنها و محتوای غنی آنها درباره خلفای راشدین است؛ به گونه‌ای که در منابع دیگر نقشبندیه هرگز چنین فراوانی اطلاعات وجود ندارد.

۱-۳- پیشینه پژوهش

پژوهشگران معاصر همگی بر سنت‌گرایی این طریقت و ابراز علاقه و اهتمام آن به بیان اهمیت خلیفه اول هم‌داستان‌اند. این طریقت چنان بر حفظ و التزام به سنت نبوی در فقه و عقیده پافشاری می‌کرد که یکی از پژوهشگران آنها را «سلفی‌های صوفیه» نامیده است. (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۴۵۸) تأکید عمده این طریقت به گفته گلپروان بر ابوبکر است و بنا بر گفته‌هایشان، وی افضل صحابه و شایسته‌ترین کس برای خلافت بود. او صدیق بود؛ از آن رو که اول کسی بود که معراج پیامبر (ص) را باور کرد و اولین کسی بود که به ایشان ایمان آورد (Golparvan, 2008, 42)، اما در مقابل آرامجو معتقد است که این تمرکز بر روی ابوبکر مربوط به بعد از تشکیل دولت صفویه بوده است؛ به عنوان نمونه خواجه احمد کاسانی (د. ۹۴۸ ق) در آثار خود چنین کرده است. (آرامجو، ۱۳۹۹: ۹۱-۹۲) به گفته آرامجو برخلاف تصور رایج تنها یکی از طرق سلسله نقشبندیه از طریق ابوبکر به پیامبر (ص) متصل می‌شود و دو طریق دیگر از حضرت علی (ع) به پیامبر می‌رسد (آرامجو، ۱۳۹۵: ۸)، حتی یکی از این سلسله‌ها از طریق امامان شیعه به پیامبر می‌رسد که از سوی نقشبندی‌ها به «سلسله الذهب» معروف است. (پارسا، ۱۳۵۴: ۱۲؛

چرخ، ۲۰۰۹: ۲۱۳؛ کاشفی، ۲۵۳۶: ۱/۱۲) بنابراین در عین پذیرش سرسختی و پابندی استوار نقشبندیه به عقیده اهل سنت و جماعت نمی‌توان از وابستگی تام و تمام این طریقت به ابوبکر سخن گفت. البته دست کم مشایخ اولیه نقشبندیه بر روی طریقه‌ای که به ابوبکر می‌رسد، تأکید داشته‌اند^۱ و از باقی طرق کمتر یاد کرده‌اند. شیعی مدعی است که نقشبندیه عامدانه در پی تخریب جایگاه امام علی (ع) در میان فرق صوفی و بالا بردن موقعیت ابوبکر برای حفظ تسنن و جلوگیری از گسترش تشیع در میان فرق صوفی برآمدند. (شیعی، ۱۳۸۵: ۳۱۲) به گفته او «نقشبندیان می‌خواستند آن میراث صوفیانه را که از قرن چهارم به بعد با درآمیختن تصوف به شخصیت علی (ع) فراهم آمده بود، از بین ببرند».

(شیعی، ۱۳۸۵: ۳۱۳) گراهام هم به تلاش سیستماتیک نقشبندی‌ها برای حذف رقبای خود از میان فرق متشیع تأکید دارد که در این زمینه امیر کلال و پیروانش نقش عمده‌ای ایفا کردند. (گراهام، ۱۳۸۴: ۴۸۱) توسون، محقق ترک، هم از تفاوت طریقت نقشبندیه با سایر طرق سخن گفته است؛ در حالی که سایر طرق صوفیانه سلسله خود را تا حضرت علی (ع) امتداد می‌دهند، خواجهگان ابوبکر را سرسلسله خود می‌دانستند. (توسون، ۱۴۰۲: ۱۱) به گفته او نقشبندیه به طور کل تنها سلسله‌ای را که منتهی به ابوبکر می‌شد قبول داشتند. (توسون، ۱۴۰۲: ۱۹) و ذکر سلسله‌ای دیگر که به امام علی (ع) منتهی می‌شد از آن رو توسط این طریقت مطرح شد تا واکنش طریقت‌های دیگر را برنیزد. وی علت این قضیه را رفتار سایر طرق صوفیه می‌داند که سلسله خود را فقط به حضرت علی (ع) نسبت می‌دادند و موجب گردید در میان خواجهگان از طریقتی سخن گفته شود که به ابوبکر منتهی می‌شد. (توسون، ۱۴۰۲: ۲۵) الگار هم تأکید این طریقت را بر روی سلسله‌ای می‌داند که به ابوبکر ختم می‌شد و آن را معلول قدرت گرفتن شیعیان و نفوذ دولتی آنها می‌داند که موجب احساس خطر صوفیان نقشبندی برای حفظ موجودیت خود شد. (الگار، ۱۳۹۸: ۲-۴) به گفته گلپروان آنان فرق دیگر صوفی را بدعت‌گذار یا متهم به آن معرفی می‌کردند و با آنها رفتار خصمانه‌ای داشتند. (Golparvan, 2008: 36, 47) برای بررسی مدعیات

۱. «طریقه خواجهگان - قدس الله تعالی ارواحهم - به حضرت صدیق اکبر منسوب است». (کاشفی، ۲۵۳۶: ۲/۴۴۲) «طریقه مشایخ و خلفای خواجه عبدالخالق غجدوانی - قدس الله ارواحهم - آن است که همه در راه صدق و صفا و مخالفت طبع و نفس و هوا و متابعت شریعت و سنت و مجانبت ضلالت و بدعت کوشیده‌اند و روش پاک خود را از نظر اغیار پوشیده و این روش پاک حضرت رسالت‌پناه - صلی الله علیه و سلم - از یار غار سابق امت در تصدیق، ابوبکر صدیق - رضوان الله علیهم اجمعین - قرناً بعد قرن رسیده است. (سمرقندی، ۱۳۸۸: ۱۱۵)

این منابع که همه سخن از خصومت این طریقت نسبت به تشیع و بالا بردن جایگاه ابوبکر در مقایسه با امام علی (ع) سخن گفته‌اند لازم است جایگاه امام علی (ع) در میان این طریقت به درستی معلوم گردد؛ کاری که تاکنون صورت نگرفته است.

در مورد جایگاه امام علی (ع) در میان صوفیه پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ از جمله پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «جایگاه حضرت علی (ع) در سلاسل صوفیه تا آغاز دوره صفویه» که در دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است. در بخشی که به نقشبندیه اختصاص داده شده است، مؤلف معتقد است که به خاطر ارادت بزرگان نقشبندیه به حضرت علی (ع)، این سلسله در باطن متصل به حضرت علی (ع) است، اما در مقطعی از تاریخ بنا بر مقتضیات سیاسی آن را به شکل دیگری یعنی اتصال به ابوبکر مطرح کرده‌اند. (قنبری، ۱۳۹۴: ۱۴۷)

مقاله دیگری با عنوان «امام علی (ع) در متون صوفیه (با تأکید بر متون تصوف تا قرن پنجم هجری)» در قالب چهار بخش به بررسی اوصاف شخصی امام، نسبت امام با خلفا، کرامات و تصویر امام علی (ع) در رؤیاهای صوفیه به بررسی این موضوع پرداخته است و بدین نتیجه رسیده که درک صوفیان از مقام حضرت علی (ع) تا اندازه زیادی به تصورات شیعی نزدیک بود. (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱)

گوهری هم در مقاله‌ای تحت عنوان «ملاعبدالرحمان جامی و جریانات فرهنگی و مذهبی عصر تیموری» از جمله به بررسی مواضع جامی به عنوان یکی از بزرگان نقشبندیه، نسبت به حضرت علی (ع) پرداخته است. (گوهری، ۱۳۹۵: ۱۰۶-۱۰۷)

۴-۱- متون کهن و شاخص طریقت نقشبندیه

بعد از مرگ بهاء الدین نقشبند (د. ۷۹۱ ق) کتاب‌های مهمی در بیان شرح احوال و افکار بزرگان نقشبندیه در عصر تیموری نوشته شد. از جمله دو کتاب فصل الخطاب و قدسیه خواجه محمد پارسا، نفحات الانس جامی (د. ۸۹۸ ق) و رشحات عین الحیات فخرالدین علی کاشفی (د. ۹۳۹ ق) در آغاز سده دهم (۹۰۹ ق). در میان این آثار متنوع و متعدد دو کتاب فصل الخطاب و شواهد النبوه از جهت داشتن اطلاعات غنی در مورد خلفای راشدین از بقیه متمایز و برای موضوع این پژوهش مناسب‌ترند.

کتاب فصل الخطاب یک کتاب آموزشی برای متصوفه است که با نگاه حدیثی و کلامی نوشته شده است. خواجه محمد پارسا (د. ۸۲۲ ق) خود شخصی درس خوانده و از این حیث در میان نقشبندیه کم

نظیر بود. بنابراین او در این کتاب برخلاف دیگر متصوفه که بهره چندانی از علوم رسمی نداشتند، از حجم وسیعی از منابع حدیثی، کلامی، تفسیری، ادب و اخلاق بهره گرفته است. خواجه پارسا می‌خواهد تا در این کتاب مسائل اصلی مورد اختلاف میان فرق مختلف عامه از یک سو و عامه با خاصه را از دیگر سو با بهره‌گیری از معتبرترین اسناد و کتب به مرحله فیصل الخطاب و ایقان در عقیده هدایت نماید. (مسکرنژاد، ۱۳۸۱: سی و چهار) کتاب در ۸ فصل به بیان علوم صوفیه، صراط مستقیم، مشاهده و معرفت، معجزات رسول الله و کرامات اولیاء الله، عقوبات (روافض و نواصب)، بیان اهل ملامت، فضائل خلفا و امامان شیعه و احوال اقطاب و یک خاتمه در بیان روش خواجگان تنظیم یافته است. گرچه پارسا تنها در چند صفحه پایانی کتاب به ذکر سلسله خواجگان پرداخته است، اما چنان که همانجا مؤلف می‌گوید هدف از این کار «تکرار» آنچه بوده که در کتاب آمده است. علاوه بر این مؤلف آنچه را که درباره اهل ملامت نوشته بیان احوال خواجگان می‌داند. محتوای این بخش با آنچه که در مورد اصول نقشبندیه آمده است در تطابق کامل است. البته باید توجه داشت که خواجگان جریان گسترده‌تری از نقشبندیه است که نقشبندیه از دل آن ظهور کرده است و خواجگان علاوه بر نقشبندیه جزء اسلاف فکری یسویّه هم به شمار می‌آیند. (منفرد، ۱۳۹۹: ۱۶/۲۳۰) با این حال عمده آگاهی ما درباره پیشینه سنت خواجگان و حتی شهرت این جریان در آثار تولید شده در دوره‌ای متأخرتر و متعلق به شاخه نقشبندی آن است. پراکندگی و فقدان ساختار عملی و نظری واحد، مشخصه سنت خواجگان پیش از بهاء الدین نقشبند است. (آرامجو، ۱۳۹۸: ۱۲۹ - ۱۲۹) پارسا در کتاب دیگر خود کلمات قدسیه جایگاه والاتری برای ابوبکر در نظر گرفته است، ولی موارد آن محدود به دو سه مورد است و برای یک بررسی همه جانبه کافی به نظر نمی‌آید. (ر.ک. پارسا، ۱۳۵۴: ۱۳-۱۴)

کتاب شواهد النبوه جامی از جمله کتاب‌های دلایل و شواهد النبوه است که با موضوع نشانه‌های نبوت پیامبران به طور اعم و پیامبر اکرم به طور اخص از نیمه نخست سده سوم نوشته می‌شد. نوآوری جامی در این است که به این قسمت کرامات خلفای راشدین، صحابه و تابعین و دوازده امام را هم افزوده است. وی رکن ششم و هفتم کتاب خود را به ترتیب به شواهد و دلایل «صحابه کرام و ائمه اهل بیت» و شواهدی که از «تابعین و تبع تابعین تا طبقه صوفیه» ظاهر شده است، اختصاص داده است. وی با ذکر کرامات و معجزات امامان و اصحاب به تداوم جنبه روحانی پیامبر پس از انقضای وحی قائل شده است. وی هنگامی که به بخش معجزات و کرامات امامان معصوم می‌رسد نشان می‌دهد که یک سنی دوازده امامی است. (آشوری، ۱۳۸۴: ۱۰۳)

۲- خلفای راشدین در کتاب فصل الخطاب

۲-۱. تلاش برای اصلاح دیدگاه شیعیان و ناصبیان در مورد امام علی (ع)

مجموعه داده‌های تاریخی نقشبندیه در مورد حضرت علی (ع) اکثراً برگرفته از مجامع حدیثی اهل سنت و ارائه کننده همان دیدگاه‌هاست و چندان تفاوتی با آنها ندارد. در این آثار احادیث زیادی در فضیلت اهل بیت (ع) آمده است که طبعاً شامل امام هم می‌شود، مانند حدیث ثقلین، اَنّی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم، حدیث کساء و حدیث اهل بیتی امان امتی. (پارسا، ۱۳۸۱: ۴۸۰، ۴۸۳، ۴۸۷؛ نک. جدولش ۱)^۱

شاید تفاوت مختصر میان کتب سابق و آثار نقشبندی‌ها استفاده از شماری احادیث ضعیف در مورد امام علی (ع) است که برگرفته از کتب صوفیه مانند کشف المحجوب هجویری است.^۲ این احادیث تفاوت کار صوفیان را با محدثان در معرفی و شناخت امام علی (ع) نشان می‌دهد. در مورد منابع احادیث فصل الخطاب گفتنی است که آنها محدود به چند منبع می‌شود که در این مقاله بدان‌ها اشاره شده است. در

۱. علاوه بر این احادیث اختصاصی زیادی هم درباره فضائل امام علی (ع) در منابع نقشبندی آمده است. در این فضائل بر روی علم و شجاعت امام تأکید بیشتری وجود دارد و ایشان به عنوان شهسوار اسلام قلمداد شده‌اند. از همین رو است که جریان علی‌نامه‌سرایی که برای چند سده تعطیل شده بود، دوباره با سرایش خاوران‌نامه توسط ابن حسام خوسفی شیعی از سر گرفته شد (Moin, 2012, 53). در نزد نقشبندیه جایگاه امام چنان است که به زبان در نمی‌آید. (جامی، ۱۳۶۷: ۴۸)

۲. به گفته ملوین کتاب‌های سنیان درباره چهارده معصوم و دوازده امام جنبه منقبتی دارد و قسمتی نیز گردآوری و شرح سخنان امامان است؛ البته روایاتی که خیلی سندیت ندارد و در منابع متقدم سنی یافت نمی‌شود. (Melvin, 2012, 75)

این گزارش‌ها نزدیکی بیشتر نقشبندی‌ها با دیدگاه‌های شیعیان در مورد حضرت علی (ع) و مخالفان مشاهده می‌شود. البته این پدیده در این دوره مختص بدیشان نیست و آن را محققان با عنوان «تسنن دوازده امامی» یاد می‌کنند. (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۳۱۶)

نقشبندی‌ها برخلاف بسیاری از اهل سنت معتقد بودند که در نزاع صحابه در دوران خلافت امام، ایشان بر حق و طلحه و زبیر و معاویه بر طریق خطا بودند. (پارسا، ۱۳۸۱: ۴۶۵) در منابع نقشبندی از جمله فصل الخطاب خواجه محمد پارسا از شیعیان/روافض روایات زیادی از قول امام در مذمت آنها آمده است^۱ که منبع اصلی آنها کتاب دلایل النبوه مستغفری است. در این کتاب داستان‌های شگفت‌انگیز و فراوانی در مورد عقوبت شیعیانی آمده است که به سبب بی‌احترامی به خلفا به حیوان تبدیل شدند. (پارسا، ۱۳۸۱: ۳۹۵-۳۹۸) علت اصلی ناراحتی نقشبندیه از شیعیان، سب و لعن خلفا و عده‌ای از صحابه بود. جامی در دیوان خود در این باره چنین سروده است:

رفض نی بد ز حب آل عباست بدی آن ز بغض اهل و فاست ...

لعن کز رافضی بود واقع شود آن لعن هم بدو راجع

قدر اصحاب از آن بود برتر که ز طعن خسان شود دیگر (جامی، ۱۳۷۵: ۱۴۶-۱۴۷)

رفض از نگاه آنان چنان گناه بزرگی بود که حتی از قول سید شریف جرجانی که به اجبار تیمور، مذهب شیعه را ترک گفت (شوشتری، ۱۳۵۴: ۲/ ۲۱۸-۲۱۹)،^۲ چنین آورده‌اند که «تا من به شرف صحبت شیخ زین الدین علی نرسیدم از رفض نرستم» (جامی، بی‌تا: ۳۸۰). همچنین به ادعای خواجه احرار، «مولانا حاجی محمود مجلد در اوایل شیعه مذهب بوده است. به سبب توطن در هری و مصاحبت مردم عزیز، سنی شده بود». (احرار، ۱۳۸۰: ۲۳۱)

آنان مدعی بودند تصور روافض از ابوبکر و علی (ع) نادرست است و باید اصلاح گردد. خواجه عبیدالله احرار نقل می‌کند که یکی از مشایخ به سبزواری رسید و خطاب به یاران خود که مورد شماتت و آزار و

۱. فاطمه (س) روایت کرد که پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: «پس از من گروهی می‌آیند که به نام روافض شناخته می‌شوند. آن‌ها

مشرک هستند و نشانه آنها آن است که ابوبکر و عمر را فحش می‌دهند». (پارسا، ۱۳۸۱: ش: ۴۷۲)

۲. ادعای شوشتری منبع قدیم‌تری ندارد، اما در هر حال جرجانی ترجیح داد بعد از مرگ تیمور سمرقند را ترک گوید و به شیراز بازگردد که نشان می‌دهد آنجا را خوش نداشت. (نویسی، ۱۳۷۹: ۹۶)

اذیت شیعیان سبزواری قرار گرفته بودند، گفت که این روافض تصویری که از ابوبکر دارند این است که خلافت را بدون استحقاق از امام علی (ع) ستاند و با پیامبر (ص) و اهل بیت او نفاق داشت. اگر ابوبکر چنین باشد ما هم او را دشنام می دهیم، ولی او این گونه نبود. (کاشفی، ۲۵۳۶: ۲/۴۹۰)

جامی هم درباره تصور روافض از امام و تفاوت آن با نگاه خود چنین سرود:

گفت: آن کو بود گزیده تو نیست جز نقش نو کشیده تو

پیکری آفریده‌ای به خیال گذرانیده‌ای برو احوال

پهلوانی بروت مالیده بهر کین در دغا سگالیده

گربزی پرتهور و بی باک کینه جوی و مفتن و سفاک ...

این علی کیش منم به جان بنده سبیلت نفس شوم را کنده

بر صف اهل زبیغ با دل صاف بهر اعلائی دین کشیده مصاف ...

این علی در کمال خلق و سیر عین بوبکر بود و عین عمر

لعن ایشان مکن که لعنت اوست زشت باشد ز دوست، لعنت دوست (جامی، ۱۳۷۵: ۵۲)

در مقابل، نواصب که دشمنان علی (ع) هستند سرنوشتی بهتر از روافض ندارند و آنها هم تبدیل به حیوان شده‌اند (پارسا، ۱۳۸۱: ۴۰۱-۴۰۲) منبع اصلی خواجه محمد پارسا در این قسمت هم باز همان کتاب دلائل النبوه مستغفری است که در محیط خراسان و ماوراء النهر در دسترس تر از سایر منابع بوده است. در منابع رجالی اهل سنت، مستغفری را «مُکَثِّر» (کسی که زیاد حدیث نقل می‌کند). (سمعانی، ۱۳۸۲ ق: ۱۲/۲۴۳) و راوی احادیث مجعول معرفی کرده‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۳ ق: ۴۲۴-۴۲۵)

در راستای نشان دادن تصور اشتباه شیعیان/ روافض از رابطه خلفا با یکدیگر، فضائل زیادی منقول از ابوبکر در شأن امام علی (ع) و یا اهل بیت (ع) و بالعکس آمده است (پارسا، ۱۳۸۱: ۴۶۶-۴۷۰) تا روابط آنها را خوب و دوستانه معرفی کنند. همین سیاست در مورد عمر هم اعمال شده است و روایات متعددی از امام و عمر در فضیلت همدیگر نقل شده است؛ مثلاً حدیث «ابوبکر و عمر سیدا کهول اهل الجنة»^۱ در مقابل حدیث مشهور «الحسن و الحسين سیدا شباب اهل الجنة» (در مورد منابع این

۱. صحرانورد، الله بداشتی (۱۴۰۱)، «بررسی و نقد حدیث ابوبکر و عمر سیدا کهول اهل الجنة»، فصلنامه کلام اسلامی، ش ۱۲۲، صص ۷۱-۸۴.

حدیث، ر.ک. صحرانورد، ۱۴۰۱، ۷۶) از قول امام علی (ع) نقل گردیده است. (پارسا، ۱۳۸۱: ۴۷۳) در روایات نقشبندیه بر روی هیبت عمر بسیار تأکید شده است.^۱

۲-۲- اظهار ارادت به امیرالمؤمنین علی (ع)

خواجه محمد پارسا در یک مورد دایره مصداقی «اهل بیت» را بسیار بزرگتر از دیدگاه امامیان گرفته و آنها را شامل آل علی (ع)، آل جعفر، آل عقیل و آل عباس می‌داند (پارسا، ۱۳۸۱: ۴۸۰)، اما همو در موارد دیگر ذریه پیامبر را تنها از نسل علی (ع) (همان، ۶۱۹) و «عترت» را همان اهل بیت پیامبر معرفی می‌کند. (پارسا، ۱۳۸۱: ۶۲۰) از سوی دیگر پارسا فرزندان حضرت زهرا (س) را بر فرزندان خلفای سابق برتری می‌دهد؛ «چرا که آنها عترت طاهره و ذریه طیبه هستند که خداوند ناپاکی را از اهل بیت برده است و پاکشان گردانده». (پارسا، ۱۳۸۱: ۴۶۰)

از مجموع مطالب چنین برمی‌آید که نقشبندیان نگاه معتدل تری نسبت به مسائل فرقه‌ای در قیاس با عالمان رسمی داشته‌اند، در عین آن که منکر نگاه شیعیان به امام علی (ع) و رابطه ایشان با صحابه و خلفا بودند. حکایتی که مؤید این سخن است، در یکی از منابع آمده است. در سال ۸۸۳ ق برخی از دانشمندان و بزرگان و فاضلان سمرقند در مدرسه الغ بیگ جمع شدند و مثنوی جواهر الذات^۲ را به خاطر این که «تفضیل حضرت علی بن ابی طالب (ع) در آن بسیار است»، بسوختند و برای کاتب نسخه حکم قتل صادر نمودند و خانه و متاع او را به تاراج بردند. وقتی احرار از این واقعه باخبر شد، مانع اجرای حکم قتل او شد (برتلس، ۲۵۳۶: ۵۱۴) به نقل از نظام الدین احمد بن حسین بن محمد شاه در ترقیمه مثنویات عطار، کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد. این موضوع شاید از این قضیه نشأت گرفته باشد که نقشبندیه همانند دیگر متصوفه چندان روی خوشی نسبت به تحصیل علوم رسمی نشان نمی‌دادند.^۳

۱. «چندان صولت عدالت و هیبت سیاست از وی در خاطرها نشسته بود...». (جامی، ۱۳۶۷: ۵۰)

۲. این کتاب مجعول است و به عمد به فریدالدین عطار نیشابوری نسبت داده شده است. کتاب متعلق به شاعری شیعی اهل تون بوده است که در مشهد می‌زیسته است. (نقیسی، ۱۳۸۲: ۱۳۴-۱۳۵)

۳. به نوشته آرامجو شیوخ خواجهگانی پیرو بهاءالدین نقشبند به استثنای موارد معدود عمدتاً از تحصیلات مدرسی برخوردار نبودند (آرامجو، ۱۳۹۸: ۱۳۴). فخرالدین علی کاشفی موارد متعددی از این دست نارضایتی را در میان مشایخ نقشبندی در کتاب خود نشان داده است، به عنوان نمونه مولانا علاءالدین می‌گفت: «در اوائل حال که ملازمت حضرت مولانا (سعدالدین کاشغری) اختیار کردم و ایشان به ترک تحصیل علوم رسمی اشارت فرمودند...». (کاشفی، ۲۵۳۶: ۱/۲۲۳)

گروهی از علما از پیوستن طلاب به خانقاه‌های نقشبندی اظهار نگرانی می‌کردند و بیم آن را داشتند که مدارس خالی شوند و طلاب کاملاً جذب خانقاه‌ها شوند. (توسون، ۱۴۰۲: ۸۵ به نقل از ابوالقاسم، الرسالة البهائیه، ورق ۷۴ ب - ۷۵ الف)

در فصل الخطاب کوشیده شده است تا حد امکان از لحاظ محتوا و کیفیت - نه کمیت - توازنی میان فضائل امام و ابوبکر ایجاد شود و امام از خلیفه اول به صورت معناداری پیشی نگیرد. از همین رو ابوبکر مقدم بر همه اولیاء معرفی شده است،^۱ خداوند به صورت خاص برای او تجلی کرد (پارسا، ۱۳۸۱: ۲۸۳) و جرعه‌ای از جام ولایت تنها بر دل او ریخت (پارسا، ۱۳۸۱: ۳۴۲). حتی قرابت امام علی (ع) هم نسبت به پیامبر (ص) او را در مقامی بالاتر از ابوبکر قرار نمی‌دهد؛ چرا که همچنان که شهاب الدین ابوحفص سهروردی (د. ۶۳۲ ق) گفته است «آن نسبت قرابه یک نسبت ظاهری است و نسبت هم-صحبتی (ابوبکر) با ایشان نسبت معنوی است». (پارسا، ۱۳۸۱: ۴۶۴)

در این کتاب روابط فاطمه زهرا (س) هم با ابوبکر خوب و دوستانه نشان داده شده است و از درگیری بر سر فدک خبری نیست. بر اساس این روایات ابوبکر عملی مخالف خواسته حضرت زهرا (س) در مورد فدک انجام نداد و در مراسم تدفین ایشان هم حضور داشت (پارسا، ۱۳۸۱: ۴۷۱-۴۷۲) و حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» به صورت دیگری آمده است.^۲

جدول شماره ۱				
فراوانی فضیلت‌ها و کرامات خلفای راشدین در فصل الخطاب				
ردیف	شخصیت	تعداد فضیلت	تعداد کرامات	جمع کل
۱	ابوبکر	۱۳	۳	۱۶
۲	عمر	۸	۲	۱۰

۱. «بعد از انبیاء، خیر انام، خلیفه پیامبر و امت را امام سید اهل التجرید و ارباب التفرید و از آفات نفسانی بعید، ابوبکر الصّدیق، عبدالله بن عثمان، وی را کرامات مشهور است و آیات و دلایل ظاهره در معاملات و حقایق و مشایخ - قدس الله تعالی ارواحهم - او را مقدم و ارباب مشاهدت داشته‌اند. صدیق اکبر مقدم همه خلائقست از بعد انبیاء رسل و روا نباشد که کسی قدم در پیش قدم وی نهد». (پارسا، ۱۳۸۱: ۴۱۳ - ۴۱۴) امام همه مسلمانان وی است عام و امام اهل طریقت وی است، خاص. (پارسا، ۱۳۸۱: ۴۱۵)

۲. «انا مدینه العلم و ابوبکر اساسها و عمر حیطانها و عثمان سقفاها و علی بابها». (پارسا، ۱۳۸۱: ۵۸۵) همچنین شماری از فضائل امام علی (ع) یا به خلفا از جمله ابوبکر نسبت داده شده است و یا خلفا نیز در این فضائل سهیم شده‌اند؛ از جمله حدیث «سدّ الابواب» که برای ابوبکر نقل شده است. (کاشفی، ۲۵۳۶: ۴۴۲/۲)

۳	عثمان	۱	۰	۱
۴	علی (ع)	۲۶	۴	۳۰

۳- خلفای راشدین در کتاب شواهد النبوه

۳-۱- سیمای تاریخی امام علی (ع)

نخستین نکته در مورد شواهد النبوه استفاده جامی از منابع شیعی است. به گفته داداش نژاد نویسندگان نقشبندی در بیان فضائل امام از منابع شیعی هم استفاده کرده‌اند و این یکی دیگر از تفاوت‌های نگاه آنان با نگاه سلفی‌ها است. مثلاً کشف الغمه اربلی (د. ۶۹۲ق) یکی از منابع اصلی جامی در بخش کرامات امام علی (ع) در کتاب شواهد النبوه بوده است (داداش نژاد: ۱۳۹۰: ۵۶)؛ هرچند وی از منبع شیعی خود یاد نمی‌کند. (داداش نژاد، ۱۳۹۰: ۶۴)^۱

در ترسیم سیمای تاریخی امام در نزد جامی توجه به مسأله خلافت و جانشینی پیامبر (ص) جایگاه نخست را دارد. در این روایات چنین انگاشته شده است که تعیین ابوبکر به جانشینی پیامبر (ص) امری محتوم و پیش‌بینی شده توسط رسول الله (ص) بود و دیگر صحابه را سزا نبود که با وجود ابوبکر سودای خلافت را در سر پیورانند. بر اساس این روایات پیامبر (ص) در رؤیاهای صحابه، ابوبکر و سپس عمر را به عنوان جانشین خود برگزیده بود (جامی، ۲۰۱۰ م: ۱۹۹-۲۰۰)، حال آن که چنین رؤیاهایی در مورد انتخاب امام به خلافت در آثارشان وجود ندارد.

جامی یکی از تفاوت‌های نگاه نقشبندیه و شیعه را در مورد امام این می‌داند که برخلاف تصور شیعیان/ روافض امام به دنبال خلافت نبود و آن را آفت خود می‌دانست که باید از آن احتراز کرد،^۲ اما خود وی به صورتی متناقض در جای دیگری گزارش‌هایی حاکی از کنجکاوی شدید امام برای دانستن جانشینان

۱. ملوین با بررسی آثار صانن الدین ترکه به این نتیجه رسیده است که محتوای سخنان آنان (عالمان تیموری) درباره چهارده معصوم

خیلی به شیعه نزدیک شده است. (Melvin, 2012, 75)

۲. دید ز آفات خود خلافت را بی‌ضرورت نخواست آفت را

هرچه بر دل نشیند از وی گرد هست در چشم مرد آفت مرد (جامی، ۱۳۷۵: ۵۲)

پیامبر (ص) نقل کرده است.^۱ بر اساس مجموع گزارش‌های نقشبندیه تردیدی در مورد افضل و اعلم بودن ابوبکر و شایستگی بیشترش برای تصدی مقام خلافت باقی نمی‌ماند.^۲

جامی درباره درگیری امام علی (ع) با معاویه در صفین هم چنین سروده است:

وان خلافی که داشت با حیدر در خلافت صحابی دیگر

حق در آنجا به دست حیدر بود جنگ با او خطا و منکر بود (جامی، ۱۳۷۵: ۱۷۸)

جامی، با نقل حدیثی از پیامبر (ص)، عمل زبیر را در شوریدن علیه امام، ظلم دانسته است^۳ و امتناع کنندگان از بیعت با امام را خطا کار می‌داند. (نظامی باخرزی، ۱۳۷۱: ۱۶۹) این در حالی است که قبل از این معمولاً محکوم کردن مخالفان امام در دوران خلافتش چندان معمول نبود و اکثراً ترجیح می‌دادند در برابر منازعات و مشاجرات صحابه سیاست سکوت را در پیش بگیرند.^۴ در مقابل، نواصب که دشمنان علی (ع) هستند سرنوشتی بهتر از روافض ندارند و آنها هم تبدیل به حیوان شده‌اند. (جامی، ۲۰۱۰ م:

۲۲۴-۲۲۶)

۳-۲- سیمای کرامت‌نمای امام علی (ع)

قسمت عمده کتاب شواهد النبوه اختصاص به کرامات و معجزات صادره از خلفای راشدین دارد. پیش از ورود به بحث ذکر این نکته ضروری است که صوفیان نقشبندی متذکر شده‌اند که کرامات نقل شده درباره خلفای راشدین بسیار کمتر از کرامات صوفیه است و در توجیه آن - که گاه آن را به احمد بن حنبل

۱. بر اساس این گزارش‌ها که چند مورد است به عنوان نمونه مردی به مدینه می‌آید و چند بار شتر خرما از پیامبر (ص) دریافت می‌کند. آنگاه از ایشان می‌پرسد بعد از درگذشت شما این سهم را از که طلب کنم و پیامبر (ص) می‌فرماید: از ابوبکر. امیرالمؤمنین علی (ع) به آن مرد می‌گوید بپرس بعد از ابوبکر این عطا را از که طلب کنم؟ پیامبر (ص) فرمود: از عمر و در مرتبه سوم که آن عرب به تحریک امام از پیامبر (ص) سؤال می‌کند، پیامبر (ص) می‌فرماید: از عثمان و امام سکوت اختیار می‌کند. (جامی، ۲۰۱۰ م: ۱۸۷)

۲. «به اجماع اهل سنت و جماعت - که خداوند موفقشان دارد - ابوبکر افضل مردم بعد از پیامبر (ص) بود؛ برخلاف عقیده روافض و بیشتر معتزله» (پارسا، ۱۳۸۱: ۴۵۹). «امام همه مسلمانان وی است، عام و امام اهل طریقت وی است، خاص». (پارسا، ۱۳۸۱: ۴۱۵)

۳. «رسول با امیرالمؤمنین علی گفت: با زبیر راز می‌گوئی و حال آن که وی با تو مقاتله خواهد کرد و آن از وی ظلم خواهد بود». (جامی، ۲۰۱۰ م: ۱۹۱)

۴. ر.ک. بهرامیان، «اصحاب حدیث و مسأله تاریخ نیم سده نخست هجری»، نامه تاریخ، بهار ۱۳۷۶ ش، ش ۴.

هم منسوب می‌دارند - گویند که در زمان پیامبر (ص) و خلفا برای معتقد کردن مردم به این معجزه‌نمایی - ها کمتر نیاز بوده، اما در دوره‌های بعد به خاطر سست شدن ایمان مردم نیاز به نشان دادن این کرامات بیشتر شد. نقل کرامات برای اولیای دین از آن جهت بود که «امر نبوت با معجزات ثابت می‌شود؛ چنان‌که ولایت با کرامات» (جامی، بی‌تا: ۶۹۷؛ همو، ۲۰۱۰ م: ۱۹۶) و «ظهور خوارق عادات ضعیف حالان را باشد، از برای تقویت یقین ایشان و فوق آن جماعتی باشند که حجاب ایشان بالکلیه مرفوع شده است و بواطن ایشان به روح یقین و صرف معرفت مشرف گشته، یقین ایشان را چه حاجت به تقویت خوارق عادات و مشاهده آیات بینات و لهذا از یار غار سابق امت در تصدیق، ابوبکر صدیق خارق عادات چندان منقول نیست و از متأخرین این طایفه بسیار منقول است». (سمرقندی، ۱۳۸۸: ۹۸ - ۹۹) نقشبندیه با این توجیه، تفاوت معنادار انبوه کرامت‌های مشایخ را در مقایسه با کرامت‌های خلفای راشدین طبیعی جلوه داده‌اند. از همین رو اکثر قریب به اتفاق این خوارق عادات منسوب به خلفا تنها در شواهد النبوه جامی یافت می‌شود و سایر مشایخ نقشبندی یا در این‌باره چیزی نگفته‌اند و یا ترجیح داده‌اند همچون خواجه محمد پارسا به ذکر فضائل تاریخی خلفای راشدین اکتفا کنند. علاوه بر این شمار زیادی از این کرامات مستقیماً از خود خلفا سر زده و در مورد سرنوشت شوم دشمنان ایشان یعنی روافض و نواصب بوده است که طبعاً مسأله مبتلابه آن روزگار بوده است.

اخبار این قسمت یا بدون منبع است یا از منابعی همچون دلایل النبوه مستغفری و کشف المحجوب هجویری گرفته شده است، اما مقصود صوفیان را در ارائه این تصویر معجزه‌نما به نیکی برآورده می‌ساخت؛^۱ تصویری اغراق‌آمیز و معجزه‌گرایانه و کرامت‌نمایانه که کمال مطلوب صوفیان و تأیید برداشت آنان از مفهوم «ولّی» خدا است. در نگاه مشایخ صوفیه، ولّی توانایی دخل و تصرف در عالم مادی و انجام خوارق عادات را با کمک «همت» دارد. (Gross, 1982, 60)^۲ این نگاه مشایخ صوفی بسیار نزدیک به مفهومی است که شیعه از امامان معصوم خود به عنوان ولّی خدا دارد. صوفیه، ولایت را باطن

۱. به گفته داداش‌نژاد نقل این کرامات در کتاب‌های اولیه تصوف به صورت ضعیف رواج داشته است، از قرن ششم به بعد توسعه یافت و به مرور زندگانی انمه در کتاب‌هایی مانند فراند السمطین حموی (د. ۷۲۲ ق)، فصل الخطاب، شواهد النبوه و وسیلة الخادم الی

المخدوم خنجی (د. ۹۲۷ ق) مستقلاً مورد بحث قرار گرفته است. (داداش‌نژاد، ۱۳۹۰: ۵۲)

۲. «برخی عارفان را قدرت آن داده‌اند که هرچه خواهند خلق کنند». (کاشفی، ۲۵۳۶: ۲۹۶/۱)

نبوت و الوهیت را باطن ولایت می‌دانستند. (بادنج، ۱۴۰۱: ۲۰) طبعاً چنین نگاهی مقبول سلفیه اهل سنت نمی‌توانست باشد.

خلفای راشدین کسانی بودند که سلطنت و ولایت در آنها جمع شده بود که بهترین حالت ممکن برای مردم و آنهاست. علاء الدوله سمنانی، از پیروان کبرویه، می‌نویسد: «بدان که اگر توفیق الهی نصیب گردد، جمع می‌شود سلطنت و ولایت در یک شخص و به برکت او به صلاح می‌آید احوال خلائق در ظاهر و باطن و صورت و معنا بر وجه اکمل و افضل». (سمنانی، ۱۳۶۲: ۲۸۸) به گفته خواجه محمد پارسا، خلفای راشدین، پیشوایان مشایخ صوفیه بودند. (پارسا، ۱۳۸۱: ۴۵۹) ابوبکر از جام ولایت نوشیده بود (همان، ۳۴۲) و به گفته بهاء الدین نقشبند، او اعلم و افضل و اکمل اولیای امت بود (پارسا، ۱۳۵۴: ۱۵)؛ همچنان که علی (ع)، ولیّ خدا بود.^۱

مجموع کرامات امام علی (ع) را می‌توان در چند دسته جای داد: پیشگویی‌ها، قضاوت‌ها و از همه مهمتر تصرفات ایشان در عالم ماده.^۲ بیشتر کراماتی که برای امام بیان شده از جنس پیشگویی‌ها است که راستی آزمایی صدق و کذب آنان ممکن نیست؛ چون عملاً همه آن پیش‌بینی‌ها اتفاق افتاده است. این پیشگویی‌ها دامنه وسیعی از موضوعات تاریخی را در بر می‌گیرد؛ از جمله پیشگویی شهادت خود ایشان به دست ابن ملجم (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۲۳)، شهادت امام حسین (ع) و اصحابش در کربلا (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۱۶)، ظهور حجاج (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۲۲)، ظهور ابومسلم خراسانی (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۲۲)، عمر معاویه (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۲۳) و کشته شدن یکی از خلفای عباسی با خفت و خواری (احتمالاً از آن دسته خلفایی که به دست ترکان کشته شدند). (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۲۳) در اعتقاد آنها یکی از عواملی که کار را برای اهل بیت جهت پیشگویی در مورد آینده میسر می‌ساخت وجود کتاب‌های جفر و جامعه در نزد آنان بود. (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۴۵) باور بدین علم نزد صوفیه این عصر از عوامل جذب آنها به سوی اهل بیت (ع) بود. (Melvin, 2012, 69)

۱. مر ولی را ولی تواند دید مصطفی را علی تواند دید. (احرار، ۱۳۹۴: ۷۵)

۲. در دسته‌بندی که جوان گراس از کرامات احرار به دست داده است، شباهت این کرامات با آنچه نقشبندی به خلفا و شخص امیرالمؤمنین علی (ع) نسبت داده‌اند، واضح است. (Gross, 1982, 72)

یک دسته دیگر از کرامت‌های امام، استجابت دعای سریع وی مخصوصاً در قبال کسانی است که منکر فضائل ایشان شده یا به او دروغ گفته‌اند یا او را دروغگو پنداشته‌اند؛ از جمله صحابه‌ای که منکر واقعه غدیر شدند و به پیسی یا کوری دچار شدند. (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۲۱-۲۲۲)

جنس کرامات نقل شده برای امام علی (ع) غالباً از جنس کراماتی است که برای خلفا مخصوصاً ابوبکر و عمر نقل شده است؛ کرامات نقل شده در مورد عثمان بسیار اندک است.^۱ شباهت کرامات نقل شده نشان دهنده توجه آنها به برابر نهادن کرامات خلفا - به مانند فضائلشان - و تلاش برای همسان‌سازی آنها است. از این دست مشابهت‌ها مثلاً در مورد کفن و دفن هر چهار خلیفه است که با معجزات فراوان همراه است. (به عنوان نمونه در مورد ابوبکر، ر.ک. جامی، ۲۰۱۰ م: ۱۸۹، ۲۰۰؛ در مورد عمر، ر.ک. جامی، ۲۰۱۰ م: ۱۸۹، ۲۰۰؛ در مورد امام، ر.ک. جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۲۴) همچنین است حوادث خارق-العاده‌ای که بعد از درگذشت آنها رخ داد که حاکی از بزرگی و فاجعه‌آمیز بودن کشته شدنشان بوده است؛ به عنوان نمونه خشک شدن درخت‌ام معبد^۲ به هنگام رحلت پیامبر (ص)، شهادت امام علی (ع) و امام حسین (ع) (جامی، ۲۰۱۰ م: ۸۲-۸۳) و تیره و تار شدن عالم بعد از قتل عمر (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۰۴)

یک دسته دیگر از این کرامات همسان، پیشگویی‌ها و غیب‌گویی‌های فراوان است. به عنوان نمونه خبر دادن ابوبکر به این که کنیز آبستن او دختری خواهد زایید و بر عایشه است که از او نگهداری کند (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۰۰) که دقیقاً نظیر این برای امام - از قول پیامبر (ص) - در مورد به دنیا آمدن محمد بن حنفیه نقل شده است. (جامی، ۲۰۱۰ م: ۱۹۴) همچنین عمر روزی بر روی منبر، از غیب متوجه شد که دسته‌ای از غازیان مسلمان به رهبری شخصی به نام ساریه در حال شکست خوردن‌اند و از راه دور آنها را راهنمایی می‌کند. (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۰۱) نظیر این غیب‌گویی‌ها برای امام فراوان نقل شده است، از جمله قضاوت شگفت‌انگیز وی در مورد زن و شوهری که با هم اختلاف داشتند و امام اثبات کرد که آنها در واقع مادر و فرزند بوده‌اند و خداوند میان ایشان اختلاف افکنده بود تا عمل حرامی میانشان واقع

۱. به عنوان نمونه در *شواهد النبوه* تنها سه صفحه به کرامات عثمان اختصاص یافته است. (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۰۸-۲۱۰)

۲. پیامبر (ص) در مسیر هجرت به مدینه به همراه ابوبکر شبی را مهمان خانواده‌ام معبد بود که همین اقامت کوتاه محل داستان‌های زیادی در تاریخ اسلام شده است.

نشود. (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۱۳) گاه این همسان‌سازی‌ها تا آنجا پیش می‌رود که به قرینه فضائل و کراماتی که شیعه برای فضّه، کنیز حضرت زهرا (س) نقل می‌کنند،^۱ نقشبندیه هم کراماتی برای زانده، کنیز عمر نقل می‌کنند. (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۹۳)

یک دسته نمایان از کرامات منسوب به امام، تصرفات ایشان در عالم ماده است که البته در این زمینه هم تنها نیست و به فراخور موضوع نمونه‌هایی از آن را برای خلفای قبل نیز می‌توان یافت. از جمله این که عمر و امام علی (ع) توانسته‌اند به ترتیب آب نیل و فرات را که زیادی آبشان برای مردم در دسر ساز بوده است، کم کنند. (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۰۲-۲۰۳، ۲۱۴) از این دست معجزات برای امام می‌توان به معجزه آب در آوردن ایشان از زیر سنگ اشاره کرد که به اذعان راهبی که در آن مکان می‌زیست این کار تنها از عهده یک «وصی» بر می‌آید. (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۱۷) همچنین سخن گفتن زمین با امام در شب زفاف حضرت زهرا (س) که موجب هراس او شد (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۱۲) و سخن گفتن سنگ و درخت با امام در فتح یمن به اعجاز پیامبر که مسلمان شدن یمنی‌ها را در پی داشت. (جامی، ۱۳۷۵ م: ۵۵)

حضرت علی (ع) در خواب‌های مردمان این دوره هم حضوری پررنگ و بسیار قوی‌تر از سه خلیفه نخست دارد. باید خاطر نشان کرد که اعتبار خواب و رؤیا در نزد متصوفه امری کاملاً پذیرفتنی بود و برای آن حساب ویژه‌ای باز می‌کردند.^۲ به نوشته فخرالدین علی «مردم در واقعات بسیار، پیغمبر را و کبرای این امت را دیده‌اند و از ایشان غرایب و عجایب عالم آخرت معلوم کرد». (کاشفی، ۲۵۳۶: ۱/۳۰۱)

اعتبار رؤیایها برای مردمان این دوره چنان است که اصولاً یکی از دلایل حقانیت خلافت ابوبکر و عمر - چنان که گذشت - به آن است که پیامبر (ص) آن دو را در رؤیا بدین منصب برگزیده بود. (جامی، ۲۰۱۰ م: ۱۹۹-۲۰۰)

رؤیاهای مربوط به امیرالمؤمنین (ع) از حیث تعدد و تنوع بسیار زیاد و موضوعات متنوعی را در بر می‌گیرد؛ به عنوان نمونه مژده دادن تولد پسر به پدر نجیب‌الدین بزغش که نام او را پس از تولد، علی نهاد. (جامی، بی‌تا: ۴۷۳) در رؤیایی دیگر امام شخصی را که گدایی را رانده بود مورد سرزنش قرار داد و او

۱. به عنوان نمونه ر.ک. جهاد حسانی، کریم (۱۳۸۵)، فضاة خادمة الزهراء، قم، طلیعه نور.

۲. ر.ک آقامحمدی، سمیه (۱۴۰۲)، رؤیا، جامعه و سیاست در دوره تیموری، رساله دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.

را متوجه نادرستی کارش کرد (جامی، بی تا: ۲۳۱)، حتی سیدی حنفی به نام مولانا علی شیخ که در فقه متبحر بود و با تیمور شطرنج بازی می کرد، مدعی بود امام علی (ع) در رؤیا بدو این بازی را آموزش داده است. (ابن عربشاه، ۲۰۰۸ م: ۱۹۵) این موضوع حاکی از گستردگی حضور امام در ناخودآگاه جمعی جامعه آن روز دارد.^۱

یکی از معجزات منحصر به فرد امام در نزد نقشبندیه، ردّ الشمس دوباره امام در زمان خلافتش است. بر اساس این روایت به هنگام عبور امام از بابل برای نبرد صفین عده‌ای از سپاهیان موفق به ادای نماز عصر نشدند و به درخواست آنها و دعای امام خورشید دوباره بازگشت تا آنها موفق شدند نماز خود را ادا کنند (جامی، ۱۳۷۵: ۲۲۰-۲۲۱). به گفته جامی - که منقول از دو تن از ائمه اهل سنت است - مسلمانان باید معجزه ردّ الشمس را بپذیرند؛ زیرا اسناد آن کاملاً صحیح است. (جامی، ۱۳۷۵: ۱۱۸-۱۱۹) البته در این جا، جامی مصادره به مطلوب کرده است؛ زیرا سایر پیشوایان اهل سنت هیچ‌گاه این «رد الشمس» را نقل و قبول نکرده و منظورشان اعتقاد به ماجرای رد الشمس در زمان پیامبر (ص) بوده است.

همچنین هنگامی که امام بر دوش پیامبر (ص) بت شکنی می کرد از برداشته شدن تمام حجاب‌ها، دست زدن به عرش الهی و دریافت هر آنچه اراده می کرد سخن گفت. (جامی، ۲۰۱۰ م: ۱۲۱) نظیر چنین معجزات و کراماتی برای خلفای سابق هرگز نقل نشده است و اصولاً در گفتمان رسمی اهل سنت پیدا نمی شود و ویژه متصوفه است. در مقابل، کراماتی هم برای خلفای سابق نقل شده است که خاص ایشان است؛ از جمله اسلام آوردن ابوبکر و عمر با معجزات و تفصیل بسیار (جامی، ۲۰۱۰ م: ۶۴-۶۵، ۱۹۷-۱۹۹)، یا کراماتی که برای عثمان نقل شده است. (جامی، ۲۰۱۰ م: ۲۰۸-۲۱۰)

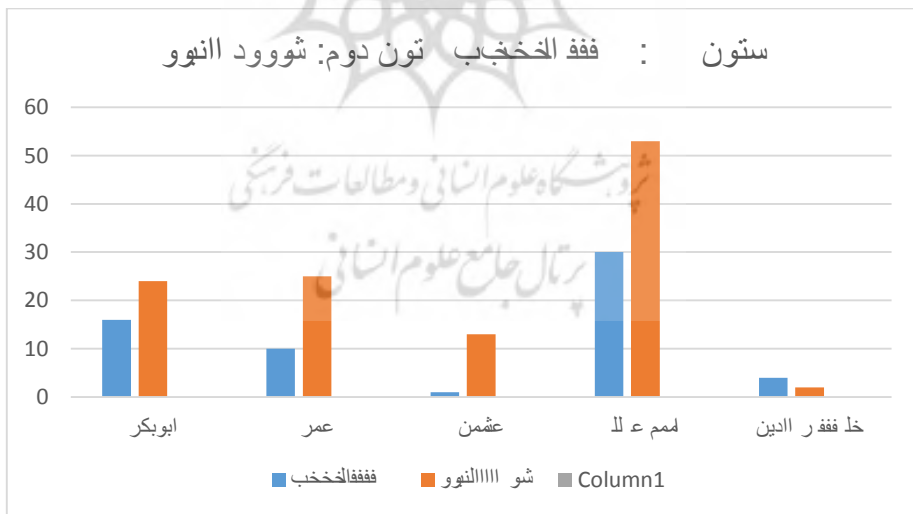
جدول شماره ۲				
فراوانی فضیلت‌ها و کرامات خلفای راشدین در شواهد النبوه				
ردیف	شخصیت	تعداد فضیلت	تعداد کرامات	جمع کل
۱	ابوبکر	۴	۲۰	۲۴

۱. برای موارد بیشتر ر.ک. آقامحمدی و دیگران (۱۴۰۰)، «رؤیا در عملکرد نخبگان فرهنگی دوره تیموری»، مطالعات تاریخ فرهنگی، س ۱۳، ش ۴۹، صص ۱۰۷-۱۲۶.

۲	عمر	۶	۱۹	۲۵
۳	عثمان	۳	۱۰	۱۳
۴	علی (ع)	۱۵	۳۸	۵۳

جدول شماره ۳
فراوانی و درصد توجه به خلفای راشدین در متون شاخص طریقت نقشبندیه

ردیف	کتاب	ابوبکر		عمر		عثمان		علی (ع)		جمع کل	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱	فصل خطاب	۱۶	۲۸	۱۰	۰.۵	۱	۰.۷۵	۳۰	۰.۶	۵۷	۱۰
		۰	۰	۱۷	۰	۱	۰	۵۲	۰	۰	۰
۲	شواهد النبوه	۲۴	۰.۸	۲۵	۰.۷	۱۳	۱۱.۳	۵۳	۴۶	۱۱۵	۱۰
		۰	۰	۲۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰



نتیجه‌گیری

جداول این پژوهش به خوبی نشان می‌دهد که علی‌رغم اهمیت داشتن فضائل و کرامات ابوبکر برای اهل سنت - در قیاس با عمر و عثمان - اما فضائل و کرامات امام در هر دو قسمت بیشتر از خلیفه اول بوده، و تفاوت معناداری در میان آنها از لحاظ کمیت وجود دارد. بررسی کیفی این روایات هم باز ما را به همین جا می‌رساند که فضائل و کرامات امام علی (ع) در نزد نقشبندیه کاملاً پذیرفته شده و شاید بالاتر از سه خلیفه نخست بود. بر این اساس علی‌رغم اعتقاد کامل مشایخ نقشبندیه به سه خلیفه نخست و مخالفت علنی با روافض به سبب سب و لعن این سه تن، امام علی (ع) از جایگاهی فروتر از آن سه خلیفه در نزد ایشان برخوردار نیست. دست کم می‌توان گفت نگاه آنان به اهل بیت پیامبر (ص) بسیار بالاتر از نگاه اهل سنت پیشین است. نقشبندی‌ها همسو با سایر سلسله‌های اهل سنت میان شیعه و رافضی تفاوت نهاده و با این مرزبندی خود را محب اهل بیت و نگاه روافض را نسبت به امام علی (ع) اشتباه قلمداد می‌کردند. آنان نواصب را هم در دنیا و هم در آخرت گرفتار عذاب الهی می‌دانستند. به نظر می‌رسد یکی از اهداف آنان در ذکر فضائل خلفا و امام، تصحیح اعتقاد شیعیان درباره امام علی (ع) مخصوصاً از جهت روایتش با سه خلیفه نخست باشد.

از سوی دیگر نقشبندی‌ها کوشیدند میان کرامات ابوبکر با امام شهابت‌هایی برقرار سازند به طوری که هیچ‌کدام از دیگری برتر جلوه نکنند؛ هرچند هر خلیفه هم کرامات خاص خود را داشته است. جواز نسبت دادن چنین کراماتی به آنها - با توجه به عدم اعتقاد ایشان به ویژگی‌های امام در نزد شیعه - به سبب ولی‌دانستن آنها بوده است که آنها را قادر به ذکر چنین کراماتی می‌کرده است. این کرامت‌سازی‌های گسترده در جهت همسان‌سازی جایگاه عرفانی سه خلیفه نخست با امام علی (ع)، عکس‌العملی بود به برجسته شدن جایگاه عرفانی امام علی (ع) و خاندانش در میان طریقت‌های متشیع مانند نعمت‌اللهیه و کبرویه پس از حمله مغول که موجب جذب عده زیادی به آن سلسله‌ها می‌شد.

کتابنامه

آرامجو، علی (۱۳۹۹). «خواجه احمد کاسانی دهبیدی: سیاست در اندیشه و کردار شیخ صوفی» فصلنامه تاریخ و فرهنگ، س ۵۲، ش ۱۰۴، ۷۷-۹۶.

- آرامجو، علی (۱۳۹۸). «شیوخ نقشبندی و سیاست در دوره تیموری (با تأکید بر عملکرد سیاسی عبداللّه احرار)»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، س ۵۲، ش ۱، صص ۱۲۷-۱۵۵.
- آرامجو، علی (۱۳۹۵). «بررسی روند مطالعات نقشبندیه در غرب و روسیه»، پژوهشنامه تاریخ، س ۱۱، ش ۴۲، صص ۱-۱۶.
- آشوری، حسین (۱۳۸۴). «شواهد النبوة لتقوية اهل الفتوة»، کتاب‌های اسلامی، ش ۲۱، صص ۱۰۱-۱۰۴.
- آقامحمدی، سمیه؛ مصطفی گوهری فخرآباد (۱۴۰۰). «رؤیا در عملکرد نخبگان فرهنگی دوره تیموری»، مطالعات تاریخ فرهنگی، س ۱۳، ش ۴۹، صص ۱۰۷-۱۲۶.
- ابراهیمی، زهرا؛ ابوالفضل محمودی (۱۳۹۵). «امام علی (ع) در متون صوفیه (با تأکید بر متون صوفیه تا قرن پنجم قمری)»، پژوهشنامه ادیان، س ۱۰، ش ۱۹، صص ۱-۲۰.
- ابن حجر هیتمی، احمد (بی تا). الفتاوی الحدیثیه، بی جا، دار الفکر.
- ابن عربشاه، احمد بن محمد. (۲۰۰۸ م). عجائب المقدور فی نوائب تیمور، به کوشش سهیل زکّار، دمشق، نشر التکوین.
- احرار، ناصرالدین عبیدالله (۱۳۹۴). رسائل خواجه احرار (فقرات، والدیه و حورائیه)، به کوشش عارف نوشاهی، هرات، انتشارات احراری.
- احرار، ناصرالدین عبیدالله (۱۳۸۰). احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار مشتمل بر ملفوظات احرار، رقعات احرار، خوارق عادات احرار، به کوشش عارف نوشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- احمد بن حنبل، ابو عبدالله (۱۹۸۳ م). فضائل الصحابه، بیروت، مؤسسة الرساله.
- الگار، حامد (۱۳۹۸). نقشبندیه، ترجمه داود وفاپی، تهران، مولی.
- بادنج، محمد (۱۴۰۱). تحول مفهوم ولایت در متون تصوف کبرویه و نقشبندیه در عصر مغول (قرون ۸-۹)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.
- برتلس، یوگنی ادواردویچ (۲۵۳۶). تصوف و ادبیات تصوف، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، امیرکبیر.
- پارسا، خواجه محمد (۱۳۸۱). فصل الخطاب، به کوشش جلیل مسگرنژاد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- پارسا، خواجه محمد (۱۳۵۴). قدسیه (کلمات بهاءالدین نقشبند)، به کوشش احمد طاهری عراقی، تهران، طهوری.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۲). جریان‌های تصوف در آسیای مرکزی، تهران، موسسه فرهنگی، هنری و انتشارات بین-المللی الهدی.

- پرورش، علی (۱۴۰۱). «تحلیل اوج و تضعیف نقشبندیه در ماوراء النهر و خراسان دوره تیموریان بر اساس نظریه تبارشناسی فوکو»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش ۳۱، صص ۱۳۵-۱۵۸.
- توسون، نجدت (۱۴۰۲). خواجه بهاء‌الدین نقشبند، زندگانی، آراء، طریقت، ترجمه داود وفايي، تهران، مولی.
- جامی، عبدالرحمان (بی‌تا). نفحات الانس، به کوشش مهدی توحیدی‌پور، بی‌جا، کتابفروشی محمودی، بی‌تا.
- جامی، عبدالرحمان (۲۰۱۰ م). شواهد النبوه، استانبول، مکتبه الحقیقه.
- جامی، عبدالرحمان (۱۳۴۱). دیوان کامل جامی، به کوشش هاشم رضی، تهران، بی‌نا.
- جامی، عبدالرحمان (۱۳۶۷). بهارستان جامی، به کوشش اسماعیل حاکمی، تهران، اطلاعات.
- جامی، عبدالرحمان (۱۳۷۵). هفت اورنگ، تهران، مهتاب.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۴). تاریخ تشیع در ایران، تهران، نشر علم.
- چرخي، یعقوب بن عثمان (۲۰۰۹ م). رسائل حضرت مولانا یعقوب چرخي، بی‌جا، خانقاه سراجیه نقشبندیه مجددیه.
- داداش‌نژاد، منصور (۱۳۹۰). «زندگانی دوازده امام (ع) در کتاب شواهد النبوه جامی»، تاریخ و فرهنگ، ش ۸۷، صص ۵۱-۶۷.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹). دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر.
- سمرقندی، محمد بن برهان‌الدین (۱۳۸۸). سلسله العارفين و تذکرة الصديقين، به کوشش احسان شکراللهی، تهران، کتابخانه، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- سمعانی، عبدالکریم بن احمد (۱۳۸۲ ق). الانساب، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیه.
- سمنانی، علاءالدوله احمد بن محمد (۱۳۶۲). العروة لاهل الخلوۃ و الجلوۃ، به کوشش نجیب مایل هروی، تهران، مولا.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان بن ابوبکر (۱۴۰۳ ق). طبقات الحفاظ، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۵۴). مجالس المؤمنین، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- شیبی، مصطفی کامل (۱۳۸۵). تشیع و تصوف تا پایان سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر.
- صحرانورد، ناصر؛ علی‌الله بداشتی (۱۴۰۱). «بررسی و نقد حدیث ابوبکر و عمر سیدا کهول اهل الجنة»، کلام اسلامی، ش ۱۲۲، صص ۷۱-۸۴.
- عبدالله بن احمد بن حنبل (۱۴۰۶ ق). السنّة، بی‌جا، دار ابن قیم.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق). عیون اخبار الرضا (ع)، به کوشش مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان. قنبری، سروش (۱۳۹۴). جایگاه امام علی (ع) در سلسله‌های تصوف تا پیش از صفویه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد.

کاشفی، فخرالدین علی (۲۵۳۶). رشحات عین الحیات، به کوشش علی اصغر معینیان، تهران، بنیاد نیکوکاری نوریانی.

کراجکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ ق). کنز الفوائد، به کوشش عبدالله نعمه، قم، دار الذخائر.

گراهام، تری. (۱۳۸۴). «شاه نعمت الله ولی»، میراث تصوف، به کوشش لئونارد لویزن، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران، نشر مرکز.

گوهری فخرآباد، مصطفی. (۱۳۹۵). «ملا عبدالرحمان جامی و جریانات فرهنگی و مذهبی عصر تیموری»، مجموعه مقالات اولین کنگره بین المللی عبدالرحمان جامی، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه. مجتهدی، مهدی. (۱۳۹۳). «نثر اللئالی به ترکی جغتائی، نسخه خطی نظم الجواهر و متن منتشر شده‌ای به نام این اثر»، بساتین، س ۱، ش ۲، صص ۵۱-۶۲.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

منفرد، افسانه. (۱۳۹۳). «خواجه یوسف همدانی»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.

منفرد، افسانه. (۱۳۹۹). «خواجگان»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.

نظامی باخرزی، نظام‌الدین عبدالواسع. (۱۳۷۱). مقامات جامی، به کوشش نجیب مایل هروی، تهران، نشر نی. نفیسی، سعید. (۱۳۸۲). زندگی‌نامه عطار نیشابوری، تهران، نشر اقبال.

نوایی، عبدالحسین. (۱۳۷۹). رجال کتاب حبیب السیر، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

Algar, Hamid, K.A. Nizami. (1993). "NAKSHBABDIYYA". EI². Leiden. Brill.

Golparvan Shadchehr, Farah Fatima. (2008). Abd Al Rahman Jami: Naqshbandi Sufi, Persian Poet. a dissertation for the degree doctor of the Ohio State University.

Gross, Jo-ann, (1982). Khojar Ahrar: A Study of the perceptions of religious power and prestige in the late Timurid period. phd desertion in School of Art and Sciences.

NewYork University.

Melvin - Koushki, Matthews. S, (2012). The Quest for a universal science: The occult philosophy of Sain al- Din Turka Isfahani and Intellectual Millenarianism in Early Tumurid Iran.

Moin, A. Azfar. (2012). Sacred kingship and sainthood in Islam. Newyork. Columbia University press.

جدول ضmannم

ردیف	نام	موضوع	ارجاع
۱	ابوبکر	تجلی خداوند برای ابوبکر	۲۸۳
۲		ریخته شدن جرعهای از جام ولایت بر دل ابوبکر	۳۴۲
۳		آگاهی ابوبکر از حال عرفانی عمر	۴۵
۴		برتر بودن ابوبکر از همه صحابه	۴۱۴-۴۱۵
۵		نسبت معنوی هم صحبتی ابوبکر با پیامبر	۴۶۴
۶		دوست داشتن ابوبکر شرط جواز عبور از پل صراط	۴۶۶
۷		شجاعت ابوبکر	۴۶۷
۸		مکارم اخلاق ابوبکر	۴۶۷- ۴۷۰
۹		دو سرور پیران بهشت	۴۷۳
۱۰		اقتداء به شیخین پس از پیامبر	۵۸۴
۱۱		ابوبکر قطب زمان خود	۶۲۵
۱۲		میمون شدن دشنام دهنده به شیخین	۳۹۵
۱۳		سیاه شدن دشنام دهنده به شیخین	۳۹۶
۱۴		خوک شدن دشنام دهنده به شیخین	۳۹۶
۱۵		کشته شدن دشنام دهنده به شیخین	۳۹۶
۱۶		ریختن موی سر و صورت دشنام دهنده به شیخین	۳۹۸
۱۷	عمر	بیرون آمدن حق از زبان عمر	۴۰
۱۸		اقتداء صوفیه به عمر در لباس پوشیدن و صلابت در دین و ...	۴۲۱
۱۹		دو سرور پیران بهشت	۴۷۳

۵۸۴	اقتداء به شیخین		۲۰
۳۹۵	میمون شدن دشنام دهنده به شیخین		۲۱
۳۹۶	سیاه شدن دشنام دهنده به شیخین		۲۲
۳۹۶	خوک شدن دشنام دهنده به شیخین		۲۳
۳۹۶	کشته شدن دشنام دهنده به شیخین		۲۴
۳۹۸	خواب دیدن دشنام دهنده به شیخین		۲۵
۳۹۸	سگ شدن دشنام دهنده به شیخین		۲۶
۴۰۴	جزای کسی که به زیارت قبر عثمان نرفت	عثمان	۲۷
۴۶۰	افضل بودن فرزندان حضرت علی (ع) بر فرزندان سه خلیفه نخست	امام علی (ع)	۲۸
۴۶۵	محق بودن امام در جنگ با معاویه		۲۹
۴۶۶	یکی بودن کف دست امام با پیغمبر		۳۰
۴۶۶	جواز صادر کردن امام برای روندگان از پل صراط		۳۱
۴۷۳	غدیر		۳۲
۴۷۵	فضایل امام از زبان عمر		۳۳
۴۸۰	حدیث ثقلین		۳۴
۴۸۳	حدیث حرب لمن حاربکم		۳۵
۴۸۳	حدیث کساء		۳۶
۴۸۷	اهل بیت، امان امت		۳۷
۵۳۷	علم فراوان امام		۳۸
۵۳۹	گردیدن حق در مکانی که علی بگردد		۳۹
۵۳۹	سخنان تحسین آمیز نووی در فضایل امام		۴۰
۵۴۰	صاحب رایت بودن پیامبر (ص)		۴۱
۵۴۰	شجاعت علی (از جمله ۱۶ زخم برداشتن در احد)		۴۲
۵۴۰	علم امام به گواهی صحابه و تابعان		۴۳
۵۴۱	زهد امام		۴۴
۵۴۱	غدیر		۴۵

۵۴۱	دستور خداوند برای دوست داشتن علی (ع)		۴۶
۵۴۱	حدیث پیامبر (علیّ منّی و انا من علی)		۴۷
۵۴۱	عقد اخوت پیامبر با امام		۴۸
۵۴۲	دعای پیامبر برای دیدن دوباره امام		۴۹
۵۴۲	آگاهی امام از زمان شهادت خود		۵۰
۵۴۳	آگاهی امام از باطن قرآن		۵۱
۵۸۴	حدیث سلسله الذهب		۵۲
۶۱۹	ذریه پیامبر از نسل امام		۵۳
۶۲۰	عترت پیامبر: ۱۲ امام		۵۴
۶۲۰	دوازده امام		۵۵
۶۲۰	دوازده هدایت شده		۵۶
۶۵۰	اصحاب علی (ع) بهترین مردم روزگار		۵۷
۴۵۹	تفضیل صحابه به ترتیب خلافت	خلفای راشدین	۵۸
۵۶۴	چهار خلیفه در چهار طرف حوض کوثر		۵۹
۵۸۵	حدیث انا مدینه العلم در شأن چهار خلیفه		۶۰
۶۱۸	ضرورت دوست داشتن چهار خلیفه		۶۱

جدول کرامات خلفای راشدین بر اساس کتاب شواهد النبوة جامی

ارجاع	موضوع	نام	ردیف
۸۱	عقرب گزیدگی ابوبکر در لیلۃ المبیت	ابوبکر	۱
۱۲۴	هدایت لشکر اسلام در تبوک توسط شیخین		۲
۱۸۷	پیشگویی خلافت ابوبکر		۳
۱۸۸-۱۸۷	پیشگویی خلافت سه خلیفه نخست		۴
۱۸۸	خلفای پیامبر: شیخین		۵
۱۸۹	مشخص کردن قبر شیخین توسط پیامبر		۶
۱۹۶-۱۹۷	ملقب شدن ابوبکر به صدیق توسط جبرئیل		۷
۱۹۷-۱۹۸	سبقت ابوبکر در مسلمانی به اعجاز		۸

۱۹۹-۱۹۸	سبقت ابوبکر در مسلمانی به اعجاز	۹
۲۰۰	دفن شدن ابوبکر در کنار پیامبر به امر الهی	۱۰
۲۰۰	دفن ابوبکر با کرامت الهی	۱۱
۲۰۰	برکت یافتن غذای ابوبکر برای میهمانان	۱۲
۲۰۰	پیشگویی ابوبکر در مورد فرزند به دنیا نیامده‌اش	۱۳
۲۰۴-۲۰۳	میمون شدن دشنام دهنده به شیخین	۱۴
۲۰۴	سیاه شدن روی دشنام دهنده به شیخین	۱۵
۲۰۵	خوک شدن دشنام دهنده به شیخین	۱۶
۲۰۵	حمله زنبورها به دشنام دهنده به شیخین	۱۷
۲۰۵	کشته شدن دشنام دهنده به شیخین	۱۸
۲۰۶	ریختن موی سر و ابروی دشنام دهنده به شیخین	۱۹
۲۰۷-۲۰۶	سگ شدن دشنام دهنده به شیخین	۲۰
۲۰۷	زنده شدن دشنام دهنده به شیخین و تحذیر همگان	۲۱
۲۰۸	خوک دیده شدن دشنام دهندگان به شیخین	۲۲
۲۱۰	بیان کرامتی از سه خلیفه نخست	۲۳
۲۱۰	ذکر خیر کردن یکی از شهدای جنگ‌های رده از سه خلیفه نخست	۲۴
۶۵-۶۴	عمر	۲۵
۹۳	اسلام آوردن عمر با تفصیلات بسیار	
۱۲۴	جانفشانی عمر برای جلوگیری از ترور پیامبر	۲۶
۱۸۸-۱۸۷	هدایت لشکر اسلام در تبوک توسط شیخین	۲۷
۱۸۸	پیشگویی خلافت سه خلیفه نخست	۲۸
۱۸۹	شیخین: خلفای پیامبر	۲۹
۲۰۰-۱۹۹	مشخص کردن محل قبر شیخین توسط پیامبر	۳۰
۲۰۱	انتخاب عمر به خلافت به امر الهی	۳۱
۲۰۱	محدث بودن عمر	۳۲
۲۰۲	راهنمایی سپاه اسلام از دور به کرامت الهی	۳۳
۲۰۲	راهنمایی دیگر سپاه اسلام از دور به کرامت الهی	۳۴
۲۰۳-۲۰۲	کم کردن آب نیل با کرامت الهی	۳۵

۲۰۳	تیره و تار شدن عالم در روز مرگ عمر	۳۶
۲۰۴	عزاداری جنیان بر عمر	۳۷
۲۰۴-۲۰۳	میمون شدن دشنام دهنده به شیخین	۳۸
۲۰۴	سیاه شدن روی دشنام دهنده به شیخین	۳۹
۲۰۵	خوک شدن دشنام دهنده به شیخین	۴۰
۲۰۵	حمله کردن زنبورها به دشنام دهنده به شیخین	۴۱
۲۰۵	کشته شدن دشنام دهنده به شیخین	۴۲
۲۰۶	ریختن موی سر و ابروی دشنام دهنده به شیخین	۴۳
۲۰۷-۲۰۶	سگ شدن دشنام دهنده به شیخین	۴۴
۲۰۷	زنده شدن دشنام دهنده به شیخین و تحذیر همگان	۴۵
۲۰۸	خوک دیده شدن دشنام دهنده به شیخین	۴۶
۲۱۰	بیان کرامتی از سه خلیفه به نقل از ابوذر	۴۷
۲۱۰	ذکر خیر کردن یکی از شهدای جنگ‌های رده از سه خلیفه	۴۸
۲۹۲	ذکر خیر کردن زید بن خارجه پس از مرگ از جلد (زیرکی) بودن عمر	۴۹
۱۸۸-۱۸۷	پیشگویی خلافت سه خلیفه نخست	عثمان
۱۸۹	پیشگویی قتل عثمان توسط پیامبر	۵۱
۲۰۸	شناسایی زناکار از روی چهره	۵۲
۲۰۸	آگاهی عثمان از قتل خود	۵۳
۲۰۹	عقوبت بی احترامی به جنازه عثمان	۵۴
۲۰۹	عزاداری جتیان بر عثمان	۵۵
۲۰۹	ندا دادن هاتف عیبی به بهشتی بودن عثمان	۵۶
۲۰۹	ندا دادن هاتف عیبی که بی نماز، عثمان را دفن کنید.	۵۷
۲۱۰-۲۰۹	حضور فرشتگان در دفن عثمان	۵۸
۲۱۰	جزای زیارت نکردن قبر عثمان	۵۹
۲۱۰	بیان کرامتی از سه خلیفه به نقل از ابوذر	۶۰
۲۱۰	ذکر خیر کردن یکی از شهدای جنگ رده از سه خلیفه	۶۱
۲۲۵	سیاه شدن روی دشنام دهنده به عثمان و امام	۶۲

۸۳-۸۲	خشک شدن درخت به هنگام شهادت امام	علی (ع)	۶۳
۹۹	شجاعت امام در احد		۶۴
۱۱۸-۱۱۷	حدیث رایت		۶۵
۱۱۹-۱۱۸	ردّ الشمس		۶۶
۱۲۱	بت شکنی امام بر دوش پیامبر		۶۷
۱۳۸	غسل دادن پیامبر توسط امام با همراهی فرشتگان		۶۸
۱۳۸	علت زیادی فهم و حفظ امیرالمؤمنین		۶۹
۱۳۸	جزء اهل بیت بودن امام		۷۰
۱۴۹	اسلام آوردن مردم یمن به دست امام		۷۱
۱۹۰	پیشگویی پیامبر درباره شهادت امام		۷۲
۱۹۰	پیش بینی پیامبر درباره کارشکنی های قریش نسبت به امام		۷۳
۱۹۱	پیش بینی پیامبر درباره شورش عایشه علیه امام		۷۴
۱۹۱	پیش بینی پیامبر درباره شورش زبیر علیه امام		۷۵
۱۹۳	دستور پیامبر برای خوش رفتاری با عایشه از سوی امام		۷۶
۱۹۳	بر حق بودن امام در صفین به گفته عمار		۷۷
۱۹۴-۱۹۳	پیشگویی درباره حرقوص بن زهیر، رهبر خوارج		۷۸
۱۹۴	پیشگویی تولد محمد بن حنفیه توسط پیامبر		۷۹
۲۱۱-۲۱۰	علت ملقب شدن امام به ابوتراب		۸۰
۲۱۱	علم فراوان امام		۸۱
۲۱۲	دادن پاسخ سؤالات دشوار ملک روم در زمان عمر		۸۲
۲۱۲	مولود کعبه		۸۳
۲۱۲	ختم قرآن به هنگام سوار شدن بر اسب		۸۴
۲۱۲	سخن گفتن زمین با امام		۸۵
۲۱۳	قضاوت شگرف امام میان زن و شوهری که در واقع مادر و فرزند بودند.		۸۶
۲۱۴	کم کردن آب فرات به اعجاز		۸۷
۲۱۵-۲۱۴	پیش بینی سرنوشت نهرانیان		۸۸
۲۱۵-۲۱۴	پیش بینی سرنوشت نهرانیان		۸۹

۲۱۵	پیشگویی شهادت میثم تمار	۹۰
۲۱۵	پیشگویی شهادت کمیل	۹۱
۲۱۷	پیشگویی شهادت قنبر غلام علی (ع)	۹۲
۲۱۶	پیشگویی درباره عدم یاری براء بن عاذب، امام حسین (ع) را	۹۳
۲۱۶	پیشگویی شهادت امام حسین (ع) و یارانش در کربلا	۹۴
۲۱۷	آب درآوردن از زیر سنگ به اعجاز	۹۵
۲۲۰ - ۲۱۹	آب آوردن برای صحابه پیامبر در صلح حدیبیه	۹۶
۲۲۱ - ۲۲۰	رد الشمس دوباره در زمان خلافت امام	۹۷
۲۱۸	گواهی دادن راهب مسیحی به آمدن امام به محل دیر او	۹۸
۲۲۱	کور شدن مردی که در مقابل امام سوگند دروغ خورد.	۹۹
۲۲۱	عقوبت انکار واقعه غدیر	۱۰۰
۲۲۱	کور شدن زید بن ارقم به خاطر انکار واقعه غدیر	۱۰۱
۲۲۲ - ۲۲۱	دیوانه شدن منکر فضائل امام	۱۰۲
۲۲۲	پیشگویی ظهور ابومسلم	۱۰۳
۲۲۲	نفرین امام برای مسلط شدن حجاج بر کوفیان	۱۰۴
۲۲۳	پیشگویی درباره سرنوشت یکی از خلفای عباسی	۱۰۵
۲۲۳	پیشگویی شهادتش به دست ابن ملجم	۱۰۶
۲۲۴	کفن شدن امام به دست ملانکه	۱۰۷
۲۲۴	دفن امام در نجف به امر الهی	۱۰۸
۲۲۴	عقوبت پیوستن یکی از صحابه به خوارج	۱۰۹
۲۲۵ - ۲۲۴	کشته شدن دشنام دهنده به امام به اعجاز الهی	۱۱۰
۲۲۵	سیاه شدن روی دشنام دهنده به عثمان و امام	۱۱۱
۲۲۵	کشته شدن دشنام دهنده به امام توسط شتر	۱۱۲
۲۲۶	سرانجام شوم والی مدینه که به امام دشنام می داد.	۱۱۳
۲۵۱	آزاد کردن امام کاظم توسط مهدی عباسی به سبب خوابی که از امام دید	۱۱۴
۱۸۸	نام بردن پیامبر از خلفای خود در بحبوحه جنگ حنین	۱۱۵ خلفای راشدین
۱۸۹	صدیق و شهید بودن خلفای راشدین به فرموده پیامبر	۱۱۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی